

## جن و پری اینترنتی

من یکی از کسانی بودم که در برابر اینترنت و گسترش آن بسیار مقاومت می‌کردم. به نظر نمی‌آمد که اینترنت بتواند جای مطبوعات را بگیرد؛ برای آن یکی اصالتی می‌شناسم که این یکی نداشت. اینهم طبیعی بود، زیرا هر پدیده‌ی تازه و نویی تا بتواند تواناییها و امکانات خود را به رخ بکشد زمان می‌برد.

برای ما که مطبوعاتمان سابقه‌ی صد ساله دارد، و به ویژه دوره‌ی کنونی که تعداد نشریات فرهنگی - هنری به چند صد می‌رسد، بطور طبیعی می‌بایست یک جا افتادگی و پختگی وجود داشته باشد، اما چنین به نظر نمی‌رسد؛ برای من که پیرامون بیست سال است بطور جدی می‌نویسم و آن را هم از مطبوعات آغاز کرده‌ام هنوز پرسشهایی وجود دارد. برای نمونه؛ مطبوعات جدی یعنی چه؟ مطبوعات مردمی یعنی چه؟ وظیفه‌ی مطبوعات چیست؟ چرا کسی یا گروهی اقدام به راه‌اندازی یک نشریه می‌کنند؟ و بسیاری پرسشهای دیگر که هنوز هم منتظرم تا پاسخ آنها را بگیرم.

اکنون تصور کنید که هنوز تکلیف این یکی روشن نشده - آنهم پس از صد سال - ناگهان شکل تازه‌ای پا به عرصه می‌گذارد که حتا دشواریها و گرفتاریهای شکل پیشین را نیز ندارد. خوب! اکنون چه رخ خواهد داد؟ آیا وضع بهتر خواهد شد یا بدتر که آن یکی که آنهمه دشواری و گرفتاری داشت، پس از راه‌اندازی به شکل شخصی و خصوصی استفاده می‌شد، این یکی که این

گرفتاریها را هم نداشت و هر کسی می توانست در خانه بنشیند و سایت و و بلاک و صفحه‌ی خود را راه اندازی کند. بنابراین طبیعی بود که برای کسانی مانند من این نگرانیها وجود داشته باشد. با این وجود، شما را نمی دانم، اما من سرانجام دریافتیم که پدیده، و آدمهای تازه می آیند و هر نسلی از پدیده‌ها و آدمها به ناچار جای خود را به نسلهای تازه‌تر و نوتر می دهند. بنابراین مقاومت کردن در برابر آنها، خود را از جهان دور کردن است. ما نه می توانیم نقش سندباد را بازی کنیم و بترسیم از آنکه پدیده‌های نو ما را همچو نهنگ خواهند بلعید و همه چیز را ویران خواهند کرد، و نه منطقی است که جای رستم بایسیم و تصور کنیم که می توانیم از پس هر تازه آمده‌ای برآیم و پیروز شویم. چنین نیست! این دوری است که می گردد و بهتر آن است که آن را به یک دور باطل تبدیل نکنیم.

امروز در خانه می نشینید و از راه صفحه‌ی رایانه وارد هزار توی اطلاعات می شوید و در مدت چند دقیقه به همه‌ی جای جهان سر می کشید. در آینده‌ای نزدیک حتا این صفحه نیز از میان برداشته می شود و تنها عینکی می ماند میان ما و جهان و همه‌ی رایانه به یک عینک تبدیل خواهد شد. این همه زیبا و خیال انگیز است و هم ترسناک و فاجعه بار، تنها بستگی به ما دارد که چگونه به آن بنگریم و چگونه از آن سود جوییم.

درباره‌ی ما گفته اند که اگر دانش در دوردست ترین نقطه‌ی آسمان هم باشد. ایرانیان بدستش خواهند آورد. این جمله شایسته‌ی هر مردمی است که هوش و ذوق و استعداد ما را دارد. کافی است که یک گردش کوتاه در جهان بی مرز و بی زمان اینترنت بکنید تا تعداد و بلاک‌ها و سایتها و صفحه‌هایی را به زبان فارسی بیابید که سرشار از ذوق و پسند و خلاقیت ایرانی است. و اگر در یک چنین گردش برخوردید به سایتی که نام «جن و پری» را بر خود داشت، روی آن مکث کنید که این روزها یکسال از عمر آن می گذرد.

این نام که در همان نگاه نخست مرا به یاد هزار و یکشب و خیالپردازیهای آن انداخت به روشنی مشخص بود که حس و ظرافت زنانه را در پس پشت خود دارد.

من همیشه بر این باور بوده‌ام مردمی که خوبیهایشان را نمی بینند، بدبختند. اما مردمی که خوبیهای خود را انکار می کنند مردمی شکست خورده‌اند، ما هرگز مردمی شکست خورده نبوده‌ایم اما در دوره‌ی تاریخ جدیدمان (از جنبش مشروطه بدینسو) فراموش کرده‌ایم که خوبیهای بسیار داریم. بنابراین بهتر است که خوبیهایمان را ببینیم، بدان اعتراف بیاوریم، و آن را تکرار کنیم.

اینترنت هنوز در ایران جوان است، با این وجود به نظر می رسد که ره صد ساله را یکشنبه پیموده باشد. و این برای من به عنوان یک ایرانی غرور آفرین است. دیدن ایرانیانی، در هر سن،



که از گوشه و کنار جهان می‌کوشند تا وجود خود را اعلام کنند، با یکدیگر گفت و گو داشته باشند، و دانش و تجربه و امکانات خود را در اختیار دیگران بگذارند غرور آفرین است. بنابراین چه کسی می‌تواند این خوبیها را ببیند و انکار کند؟ و چرا؟ این سزاوار هر مردم دیگری که باشد شایسته‌ی ما نیست. بنابراین این روزها که سایت، یا بهتر است بگوییم؛ نشریه‌ی اینترنتی جن و پری، تولد یکسالگی خود را جشن می‌گیرد، بهتر است از خوبیهای آن بگوییم که سزاوار شایسته‌ی سردبیر و همهی همکاران آن است.

این نشریه در مدت چند ماهی که با آن آشنا شده‌ام، روند رو به کمال خود را با شتاب می‌پیماید. سردبیر آن، خانم الیاتی، را از کلاس‌های نقد هنرستان ادبیات داستانی می‌شناسم؛ خانمی با استعداد و خوش ذوق، و مهمتر از همه کوشا و با همت. او توانسته در مدت یکسال گذشته یک سایت ساده را به یک نشریه‌ی ادبی اینترنتی ارتقاء دهد، بدون گرایش به این یا آن گروه. اهمیت استقلال یک هنرمند یا یک نشریه‌ی فرهنگی ممکن است که چندان به چشم نیاید اما باید گفت که همین وابستگی به دسته‌ها؛ و گروهها و محفلها، بسیاری از نشریات خوب فرهنگی ما را از دورنمایه تهی کرده و به نیستی کشانده. برای خوانندگان و مخاطبان هنر و ادبیات به هیچ روی خوشایند نیست که نشریه‌ای بنیانگذاری شود تا دوستان و رفقا برای هم تعارف تکه پاره کنند و هندوانه زیر بغل یکدیگر بگذارند و دیگران را هم به چیزی نشمارند.

# بن و پیری

## از سایت های دیگر

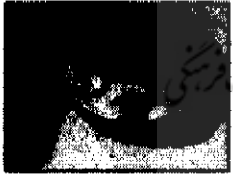
- نویسنده: روزانه نگار با روزانه نگاران نویسنده
- هنوز از روزگار شرفیابان من گهرا
- رانده رفته: گفت و گو با برنده تجربه نوبل ادبیات
- رمز آشوب با این مطلب خوانندگی به روز شد: "اورهان یونگ" به وطن خیانت می کند هنوز!
- پیشهاد مناسب اگر زنده بزرگ ترجمه
- لبیک از هفتاد: اصلاحات فردا صبح چشممان به جهان روزانه خرونگاره با نحوه تشریح روشنی خواهد شد!

## فهرست مطالب

• من و پیرگی با سهراب انور در زمینه ادبیات داستانی و شعر  
 • نامه ای از ...  
 • من و پیرگی

## فهرست مطالب

• به یاد حسن اب جلد بیسی  
 • یادداشت سوره جبر  
 • به همراه گزارشی تصویری سوره انشوری از فرانسوا تیسس و خاک سساری عمران ملالی.  
 • من و پیرگی



## موضوع

## بسته به

- فهرست مطالب
- یادداشت سوره جبر
- داستان ما
- داستان دیگران
- شعر
- معرفی کتاب
- نقد و مقاله
- گفتگو

(16 items remaining) Downloading picture http://www.janpari.com/files/darben.jpg



Internet

بنابراین مخاطبان از دست می‌روند و نشریه‌ها کم‌کم به بولتن درونگروهی تبدیل می‌شوند و سپس از دیده‌ها ناپیدا می‌گردند و رو به تعطیلی می‌روند. ازین رو استقلال درین زمینه از اهمیت بسیاری برخوردار است که از ویژگیهای نشریه‌ی جن و پری نیز هست.

ازین گذشته جن و پری در همین مدت کوتاه توانسته با گزینش مطالب خوب، مخاطبان و بازدیدکنندگان زیادی را جذب نماید و به یکی از بهترینها تبدیل شود. همه‌ی اینها نیازمند کوشش و همت و صرف بسیار وقت است، که شایسته‌ی قدردانی است. این قدردانی زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که همه‌ی این تلاشها و صرف وقتها تنها به خاطر علاقه باشد و نه کسب در آمد. این طبیعی است که اگر درآمدی کسب شود نکوهیده نخواهد بود. هر کوشش و تلاشی شایسته‌ی مزد است، چه مادی و چه معنوی، اما نکوهیده آن است که پرداختن به فرهنگ و هنر با هدف تجارت باشد. به هر روی من که امروز این مطلب را در بزرگداشت یکسالگی نشریه‌ی اینترنتی جن و پری می‌نویسم به دلیل آن است که می‌دانم و می‌بینم که پشتوانه‌ی آن ذوق و علاقه است و به همین علت هم هست که این فرایش (= روند رو به کمال) در این نشریه پیموده می‌شود. من یک سالگی این نشریه را به جن و پری، خانم الیاتی، و همه‌ی همکاران او و آن نشریه تبریک می‌گویم و امید دارم که این ذوق و علاقه و استقلال همیشه با این نشریه همراه باشد و آیندگان روزی را ببینند که صد سالگی آن جشن گرفته می‌شود.

در پایان و با افسوس فراوان باز هم در سوگ و اندوه یکی دیگر از عزیزان عرصه‌ی فرهنگ و هنر - عمران صلاحی - هستیم؛ یادش گرامی و روانش شاد باد!

### یادآوری

با ارسال این شماره مجله، دو شماره است که از موعد تجدید اشتراک تعدادی از مشترکین می‌گذرد. با اینکه چند ماه است از پایان دوره آبونمان گذشته است، هنوز مشترکان وجه آبونمان خود را نفرستاده‌اند و مجله مرتب برایشان فرستاده شده است.